



کاروان زائران کالج فارسی بوسنی در نماز صبح حرم مطهر رضوی - عکس: میثم دهقانی

مصطفی علی پور



سرب‌ها که به بوسنی حمله کردند، شیخ جعفر طلیه ای جوان بود. خودش را به سردار نقدی، فرمانده وقت نیروهای ایرانی در بوسنی رساند. می‌خواست برای همراهی با بچه‌های سپاه به بوسنی برود. در بوسنی رزمندگان ایرانی شانه‌به‌شانه مسلمان‌ها جان‌شان را سپری کرده بودند، این در حالی بود که بسیاری از کشورهای مسلمان و عربی فقط وعده کمک‌های به اصطلاح بشر دوستانه می‌دادند. حالا شیخ جعفر، طلیه جوان، فکر می‌کند که باید از حوزه هم کسی به بوسنی برود و کنار جهاد نظامی، جهاد فرهنگی را هم آغاز کند. اما برخلاف انتظار سردار نقدی جواب گرم و گیرایی به او نمی‌دهد. به او گفته می‌شود اگر قرار است مثل بعضی از طلیه‌ها ۲-۳ ماه به بوسنی برود و بعد خسته و دست‌خالی به ایران بازگردد، بهتر است راه‌اندازی رفته بر گردد. این طور رفتن نه فقط کمکی نیست، بلکه دست‌وپای رزمندگان را هم می‌گیرد. شیخ جعفر در دوراهی است. سردار نقدی گفته اگر می‌خواهد به بوسنی برود، باید قول بدهد به جای ۲-۳ ماه، ۲-۳ سال آنجا بماند. حجت الاسلام جعفر زارعان زمانی دارد گذشته را برای ماروایت می‌کند که نزدیک به ۲۰ سال از جنگ بوسنی گذشته است. ۲ ماه سفر اولیه او هم به جای ۲ سال، ۲۰ سال طول کشیده است. حاج‌آقای زارعان می‌گوید با حضور در بوسنی، چاره کار رانه در خطابه و وعظ، که در تربیت نسل جدیدی دیده است که باید مسئولیت آباد کردن بوسنی بعد از جنگ را به دوش بکشد.

از کلمه طلیه تا شجره طلیه

شیخ جعفر جوان در بوسنی پاگیر می‌شود. سال ۱۳۷۶ حدود ۲ سال بعد از جنگ خانمان سوز در بوسنی و هرزگوین با حمایت سازمان مدارس علمیه خارج از کشور مجتمع تحصیلی "کلمه طلیه" را در بوسنی راه می‌اندازد. البته کار با تأسیس یک مهد کودک آغاز می‌شود. مهد کودک "بهار" اما بعد از گذشت سال‌ها مجتمع "کلمه طلیه" اندک‌اندک گسترش می‌یابد. این روزها "کلمه طلیه" شامل ۳ مجموعه آموزشی و پرورشی است: مهد و پیش‌دبستانی "بهار"، ابتدائی و راهنمایی "گلستان" و مقطع دبیرستانی شبانه‌روزی "کالج فارسی بوسنیایی". هزینه بخشی از کار با حمایت جامعه المصطفی (ص) و بخش‌های دیگر با حمایت‌های متفرقه خیرین تأمین می‌شود. یک سوم هزینه‌های مجتمع هم از طریق دریافت شهریه از دانش‌آموزان پوشش داده می‌شود.

کلمه طلیه، کلمه وحدت

ما بار اول حجت الاسلام محمد جعفر زارعان را در مشهد می‌بینیم. ۴۰ نوجوان و جوان دانش‌آموز را برای زیارت به مشهد

از «خاک سرخ» در بوسنی تا «خاکستر سبز» در مشهد

همراه با کاروان زائران رضوی از کالج فارسی بوسنی

الحجج (ع) را برای ما توصیف کند: «نمی‌توانم با کلمات انسانی این احساسات را به شما بگویم و ابراز کنم. اما می‌توانم بگویم که احساس کردم به خدا نزدیک‌تر شدم. در واقع يك معنویت خاصی احساس کردم، که تا حالا احساس نکرده بودم.» در میان کلماتش معلوم است که راه دلش هم به حرم باز شده است. با امام رضا صحبت هم کرده‌ای؟ حرف دلت با امام رضا (ع) چه بود؟ خیال برمان داشته است که این طور سؤال می‌کنیم و بی‌اذن دخول می‌خواهیم به خلوت زائری با امام‌اش وارد شویم. جواب‌اش کوتاه است: «چیزهایی است محرمانه بین من و امام رضا (ع) که نمی‌توانم به شما بگویم.»

از خاک سرخ تا خاکستر سبز

حجاب "ربیع" ما را با خودش به "خاکستر سبز" حاتمی کیا می‌برد. نسلی که از "خاک سرخ" بوسنی به جای مانده است. یک جوان مسلمان اروپایی که نگاه مصمم‌اش نشان می‌دهد آگاهانه مسیرش را انتخاب کرده است. برای مان خیلی راحت نیست که بپذیریم خانم نوجوانی به سن و سال "ربیع"، سبک زندگی اروپایی را بدهد و سبک زندگی اسلامی را جایگزینش کند. این روزها وقتی به "الناس" در این کره خاکی نگاه می‌کنیم، "اکثرهم" به دنبال آزادی غربی هستند. اما خانم ربیع موسیچ نظر دیگری دارد: «اسلام يك چیز خاصی دارد که اگر عمیق‌تر نگاه کنیم می‌فهمیم که آزادی غربی، در واقع آزادی نیست. آزادی واقعی در اسلام است. من احساس می‌کنم که يك سپری در اسلام است که من را حفظ می‌کند. البته بعضی فکر می‌کنند که اگر ما حجاب داشته باشیم، برای دیگران خطری هستیم که اصلاً این طور نیست. حالا ذهنمان پیش‌خواهرهای هم و وطنمان است که انگار ربیع از آن‌ها "ایرانی-اسلامی" تر است. فکر می‌کنم آن‌ها باید در باره دین خودشان تحقیق کنند و ببینند این بهترین راه برای زندگی است.»

آورده است. خودش می‌گوید که در میان آن‌ها فقط ۳ دانش آموز شیعه مذهب هستند. یعنی ۳۷ زائر دیگر امام رضا (ع) برادرها و خواهرهای اهل سنت ما هستند. ماجرا جالب می‌شود. خبردار می‌شویم که در بوسنی هم همین طور است. دانش‌آموزهای مجتمع در بوسنی هم برای ایام میلاد پیامبر اکرم صلی... علیه وآله، ایام میلاد حضرت زهرا سلام... علیها، ایام عاشورای حضرت ابا عبد... (ع) و بقیه مناسبت‌های مذهبی بر نامه‌های ویژه دارند. آن‌ها پنجشنبه شب‌ها دعای کمیل هم بر گزار می‌کنند. در مجتمع کلمه طلیه بوسنی خبری از خط کشی‌های تفرقه‌آمیز نیست. شیعه و سنی، مسلمانی‌شان را پنهان و حجت کرده‌اند. علمای اهل سنت در بوسنی هم از برنامه‌های مذهبی دانش‌آموزهای مجتمع حمایت می‌کنند و حتی در این برنامه‌ها حاضر می‌شوند.

حرف‌های من با امام رضا (ع) محرمانه است

یک روز بعد از آشنایی با حاج‌آقای زارعان، قرار می‌شود در هتل به دیدن زائرهای آقا برویم. نزدیک غروب است که می‌رسیم و بچه‌ها تازه از زیارت برگشته‌اند. ربیع موسیچ، دانش‌آموز کلاس چهارم دبیرستان است و در کالج فارسی بوسنی درس می‌خواند. راهنما به ما می‌گوید که خانم موسیچ، دانش‌آموز نمونه کالج شده است. او برای اولین بار است که به مشهد آمده است و قبل از آمدن به ایران اضطراب داشت. قبل از هر چیز از نخستین سفرش به ایران و مشهد می‌پرسیم. جواب می‌دهد: «پیش از هر چیزی باید بگویم که مردم این کشور بسیار مهمان‌نواز هستند. هر جا که ما رفتیم، خیلی خوب از ما پذیرایی می‌کردند. قبل از آمدن، چون سفر اولم است، کمی می‌ترسیدم و اضطراب داشتم که به کشور شما می‌آیم. اما الحمدلله همه چیز خوب و پسندیده بود.» حالا دل‌توی دلمان نیست که بحث را به زیارت بکشانیم. قرار می‌شود حس و حالش در زیارت‌تأمن